

بررسی نظریه ی علت تعهد در گزارش اصلاحی

با رویکرد امکان ابطال یا فسخ آن

چکیده

موضوع اصلی علم حقوق «حق و تکلیف» می باشد به گونه ای که اشخاص در موارد اختلاف، در خصوص حقوق خود می توانند آراء و تصمیم گرفته و به اختلافات خود فیصله بدهند. بر همین اساس در نظام حقوقی ایران، صلح و سازش و بالتبع نهاد گزارش اصلاحی از جایگاه ویژه ای برخوردار است که به موجب تئوری تعهد، طرفین اقدام به توافق با یکدیگر می نمایند. حال ممکن است یکی از طرفین از علت تعهدی که در گزارش اصلاحی مدنظر بوده تخلف نموده و بعد از اجرای گزارش اصلاحی این مسئله ثابت گردد. پژوهش حاضر با استناد به مطالعات انجام شده در این حوزه و تحلیل ماهیت گزارش اصلاحی و تئوری علت تعهد به شیوه توصیفی - تحلیلی بدین نتیجه می رسد که در صورت اثبات خلاف علت تعهد مدنظر در گزارش اصلاحی، این گزارش قابل ابطال و فسخ نمی باشد. چرا که در این صورت گزارش اصلاحی به یک ابزار متزلزل مبدل گشته و اشخاص در خصوص حقوق و تعهدات خویش دچار سرگردانی می شوند.

واژگان کلیدی: گزارش اصلاحی، ماهیت، علت تعهد، ابطال، فسخ

مقدمه

گزارش اصلاحی یکی از نهادهای مهم و راهگشا در حوزه قانون آیین دادرسی مدنی است که در تمام ادوار قانونگذاری ایران جایگاهی ویژه و ممتاز نزد قانونگذار داشته است. چرا که این نهاد یکی از ابزارهای کاربردی در خاتمه اختلاف به روش صلح و سازش می باشد و مفاد ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص بر این مطلب تاکید دارد که دادگاه پس از حصول سازش میان طرفین ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می کند. لذا مسلم است که ماهیت این نوع گزارش مبتنی بر توافق طرفین و سازش می باشد. اما مسئله اصلی در خصوص گزارش اصلاحی در رویه قضایی ماهیت و چیستی این نوع گزارش است. چرا که غالباً علیرغم صدور گزارش اصلاحی، شخص متعهد به تعهدات درج شده در این گزارش عمل نکرده و همین مسئله سبب ایجاد اختلافات بین طرفین و تمایل متعهدله برای فسخ یا ابطال گزارش اصلاحی می گردد که برای این موضوع لازم است که ماهیت گزارش اصلاحی در خصوص عقد یا حکم و... تبیین گردد که در این خصوص در قانون جدید آیین دادرسی به طور صریح مشخص نشده است و متأسفانه همین موضوع باعث ابهام و اختلاف نظرهای فراوانی در رابطه با ماهیت و اعتبار این نهاد گردیده است.

لذا با توجه به اینکه گزارش اصلاحی اغلب دربرگیرنده تعهداتی برای طرفین بوده به گونه ای که اجرای این تعهدات شرط استمرار و قوام گزارش می باشد. این مسئله در حقوق فرانسه تحت تاثیر تئوری «علت تعهد» است و بر این اساس ماهیت و کارکردهای این نهاد توجیه می گردد.

حال با توجه به مقدمات فوق الذکر، در پژوهش حاضر درصدد بررسی و پاسخگویی به این سوال هستیم که اگر محتوای گزارش اصلاحی مبتنی بر ابراء بدهکار به جهت خاصی بوده و سپس خلاف آن ثابت گردد، طلبکار می تواند نسبت به ابطال یا فسخ گزارش اصلاحی اقدام نماید یا خیر؟ به طور

کلی در مقایسه با حقوق فرانسه آیا گزارش اصلاحی قابلیت فسخ یا ابطال دارد؟ پاسخگویی به این سوال می تواند به ابهامات بسیاری که در این زمینه در مراجع قضایی مطرح می شود، کمک نماید.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه در باب « بررسی نظریه ی علت تعهد در گزارش اصلاحی با رویکرد امکان ابطال یا فسخ آن » پژوهشی انجام نشده است و نگارنده در تلاش است که به صورت تحلیلی این موضوع را مورد بررسی قرار دهد. لذا پژوهش هایی که تا حدودی با این عنوان مرتبط هستند، عبارتند از:

- مقاله «بررسی تطبیقی جایگاه جهت در حقوق قراردادهای ایران و حقوق نوین فرانسه»؛ نوشته: مصطفی هراتی (۱۳۹۹).

در این پژوهش نگارنده به بررسی تاریخچه نظام حقوقی فرانسه و تدوین تئوری علت تعهد پرداخته و سپس به این مسئله در نظام حقوقی ایران پرداخته است. اما کارکرد این تئوری در خصوص نهاد گزارش اصلاحی مورد توجه قرار نگرفته است.

- مقاله «نظریه جهت در قراردادها: مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران و فرانسه»؛ نوشته: حسین صفایی (۱۳۵۱)

در این پژوهش نیز همانند سایر پژوهش های انجام شده در این حوزه نگارنده به بررسی تاریخچه تئوری علت تعهد و کارکردهای آن در حقوق فرانسه و نیز جایگاه آن در نظام حقوقی ایران پرداخته است اما به جایگاه این تئوری در توافقات اشخاص که در قالب گزارش اصلاحی و از طریق صلح و سازش انجام می شود، اشاره ای نشده است.

- پایان نامه «نظریه علت تعهد در نظام حقوقی کامن لا در مقایسه با حقوق ایران و فرانسه»؛ نوشته: بهزاد پورسید (۱۳۷۲)

در این پژوهش نگارنده به بررسی تئوری علت تعهد در نظام حقوقی ایران و سایر نظامات پرداخته و به تاثیر آن در خصوص عقود معوض و غیرمعوض پرداخته است. اما در این پژوهش نیز به تاثیر این تئوری و ضمانت اجرای تخلف از آن در گزارش اصلاحی به عنوان یک نهاد پرکاربرد اشاره ای نشده است.

علت تعهد در عقود

علت در عقود و تعهدات یکی از شرایط اساسی تشکیل و صحت آنهاست و فقدان علت یا نادرست بودن آن و یا خلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی بودن آن منجر به بطلان تعهد و عقد خواهد بود. اما نکته جالب آن است که اثر علت نه فقط در مرحله تشکیل عقود و تعهدات حائز اهمیت است بلکه در مرحله اجرا نیز همین اهمیت را دارد، چنانکه در صورت فقدان علت نیز پس از انعقاد قرارداد تعهد باطل خواهد بود. لذا علت هم در مرحله تشکیل و هم در مرحله اجرا حائز اهمیت است و ضمانت اجرایی فقدان آن بطلان است.

لذا بر اساس تاثیرگذاری علت تعهد در سرنوشت معاملات، در حقوق مدنی فرانسه، نظریه علت تعهد مطرح شده است که این نظریه یکی از پرچالش ترین نظریات حقوق فرانسه در سده های اخیر بوده است. بر اساس این نظریه هر قراردادی که از توافق طرفین به وجود می آید، باید دارای علت تعهدی^۱ باشد. زیرا هر شخصی که تعهدی را بر عهده می گیرد به دنبال هدفی است که مستقیماً از آن به

¹ Cause

دست می آید و آن هدف «علت تعهد» نام دارد. به عبارت دیگر؛ آنچه شخص به واسطه انجام معامله به صورت مستقیم و بلاواسطه به دست می آورد، علت یا جهت تعهد است. برای مثال در عقد بیع مالک شدن جهت تعهد است و این انگیزه که آن خانه را برای دفتر وکالت یا مطب پزشک یا دفتر مهندسی یا سکونت استفاده کنیم، جهت معامله است. (Dayani, 2010: 139-106)

این نظریه هرچند در حقوق مدنی ایران به صورت صریح به رسمیت شناخته نشده و دوگانگی میان حقوقدانان وجود دارد. اما آثار آن را می توان در مفاد مواد ۱۹۰^۲ و ۲۱۷ قانون مدنی^۳ مشاهده کرد. همچنین حقوقدانانی نظیر دکتر صفایی علت تعهد در قراردادها را پذیرفته و معتقدند که اشتباه در علت تعهد از موجبات بطلان عقد است. (صفایی، ۱۳۵۱: ۶۱) اما گروهی دیگر نظیر دکتر کاتوزیان معتقدند که علت از آن تعهد است و اشتباه در آن با اصل یا موضوع معامله ارتباط پیدا کرده و موجب بطلان عقد نمی شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۴۳) با این وصف علت تعهد به دو نوع تقسیم می شود:

علت تعهد نوعی

طرفداران نظریه نوعی یا موضوعی یا مادی، علت تعهد را اساساً با توجه به جنبه اقتصادی آن توجیه می کنند. طبق این نظریه، جهت، علت اقتصادی وجود تعهد است. برای مثال در عقد بیع مالکیت عین، در عقد اجاره، مالکیت منافع در مدت اجاره برای مستاجر و نیز مالکیت اجاره بها برای موجر

^۲ برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است:

۱. قصد طرفین و رضای آنها.

۲. اهلیت طرفین.

۳. موضوع معین که مورد معامله باشد.

۴. مشروعیت جهت معامله.

^۳ در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد والا معامله باطل است.

می باشد. بنابراین، تعهد که مالی را از دارائی متعهد خارج می کند جز با ورود مالی به دارائی او قابل توجیه نیست و این دارا شدن به طور نوعی و موضوعی بدون در نظر گرفتن جنبه های شخصی و درونی متعهد بررسی می شود. پس چنانکه طرفداران این نظریه گفته اند، جهت «یک عنصر مادی» قرارداد است. (Ghestin Jacques, 2006: 269)

به موجب این نظریه، علت از اراده به کلی جداست. نقش جهت متمایز از نقش اراده است و اهمیت این دو عنصر متفاوت است. ارزش علت در همه تعهدات یکسان نیست. هر قدر اهمیت علت بیشتر باشد ارزش اراده کمتر است. بدین سان علت که در مقام استفاده بسیار مهم است و در قراردادهای معوض مهم تلقی می شود و بالاخره در قراردادهای غیرمعوض ارزش خود را از دست می دهد و در این قراردادهای فقط اراده معتبر است. به عبارت دیگر، علت جنبه اصلی و عملی تعهد است که طرفین به منظور دستیابی به آن وارد معامله می شوند و اراده مرحله بعد از علت می باشد. به بیان دیگر، اراده زمانی تحقق می یابد که طرفین علت مشخصی را تعیین و تصمیم به برقراری رابطه تعهد نمایند.

علت تعهد شخصی

از بزرگترین طرفداران این نظریه هانری کاپیتان است که در کتاب معروف خود تحت عنوان «جهت تعهدات» که به سال ۱۹۲۳ انتشار یافته نظر خود را ابراز داشته است.

کاپیتان به وضوح از نظریه کلاسیک الهام می گیرد، لیکن آن را تعدیل و اصلاح می کند و نظریه ای می سازد که بعضی آن را نئوکلاسیک نامیده اند. کاپیتان راهگشای نظریه های شخصی علت تعهد است. به اعتقاد کاپیتان علت قرارداد عبارت از هدف مورد نظر متعهد است. اگر اساس تعهد قراردادی در اراده است باید توجه داشت که انسان جز آنکه دیوانه باشد، بدون غایت و هدف اراده نمی کند.

پس تعهد ارادی نمی تواند پدید آید و دوام یابد مگر اینکه علتی که تعهد بخاطر آن پذیرفته شده است موجود و مشروع باشد. (Terré François, Simler Philippe et Lequette Yves, 2009: 96-105)

بنابراین علت شخصی تعهدات در واقع علت غیرمستقیم آن است و هر قرارداد و تعهد واجد انگیزه و علتی است که هر فرد برای رسیدن به آن اقدام به انعقاد قرارداد و پذیرش تعهد می نماید که در صورت فقدان و یا به تعبیر صحیح تر عدم مشروعیت آن هیچ گونه اراده ای برای ایجاد تعهد واقع نمی شود.

بنابراین علت تعهد شخصی جنبه شخصی داشته و بر خلاف علت نوعی که بر حسب نوع عقود متفاوت بوده و در واقع در هر دسته ای از عقود علت یکسان بود در علت شخصی چنین نیست و امری کاملاً شخصی بوده که به انگیزه افراد مربوط است و به همین لحاظ بر حسب افراد در هر عقدی متفاوت است مثلاً یکی خانه ای را خریداری می کند برای سکونت دیگری، دومی برای اجاره دادن، سومی برای تبدیل آن به قمارخانه و چهارمی برای فروش مجدد و کسب سود و همینطور می تواند انگیزه افراد متفاوت باشد.

حال با توجه به ماهیت تئوری علت تعهد به نظر می رسد که یکی از مواردی که این تئوری می تواند کاربرد ویژه ای داشته باشد، گزارش اصلاحی و اجرای آن است. حال سوالی که به ذهن متبادر می گردد این است که اگر اشتباه در علت تعهد در گزارش اصلاحی احراز گردد، می توان گزارش اصلاحی را ابطال یا فسخ نمود؟

برای پاسخ به این سوال اصلی، باید مفهوم و ماهیت گزارش اصلاحی مورد بحث قرار گرفته و ابهامات پیرامون این موضوع شفاف سازی گردد.

مفهوم گزارش اصلاحی

گزارش عبارت است از شرح و بیان واقعه ای با مشخصه ای اینکه موضوع مورد گزارش وقوع حادثه ای باشد. اصلاحی نیز عبارتست از اینکه صلح و سازشی بین طرفین در دادگاه و با دخالت دادرس، در خصوص دعوای موجود یا دعوای احتمالی صورت گرفته و منعقد شده باشد. (شمس، ۱۳۸۷: ۱۱۴)

با این تفاسیر به خوبی روشن می گردد که گزارش اصلاحی در اصطلاح حقوقی نهادی است که حکایت از شرح و بیان وقوع عقد صلح مدنی در مقام رفع تنازع موجود یا رفع تنازع احتمالی بین دو یا چند نفر در دادگاه و با دخالت یا نظارت دادرس دارد. به این دلیل می گوییم دخالت یا نظارت دادرس، که عقد صلح مبنای صدور گزارش اصلاحی ممکن است با دخالت و تلاش دادرس حاصل شده باشد یا توسط خود متداعیین، یا حتی توسط افراد ثالث و به طریق میانجی گری تحقق یافته باشد و دادرس فقط نقش نظارتی و یا تأییدکننده را ایفا کند.

بنابراین بهترین تعریفی که در نهایت از طریق بررسی معنا و مفهوم لغوی و اصطلاحی دو واژه به کار برده شده در گزارش اصلاحی به دست می آید، در راستا و تأیید مضمون تعریفی است که یکی از اساتید حقوق پیرامون گزارش اصلاحی آورده است: «گزارش اصلاحی صورت مجلسی است که دادگاه در زمان صلح طرفین دعوا می نویسد با شرح خصوصیات صلح و آن نه حکم است و نه قرار بلکه یک سند قضایی رسمی است.» (شمس، ۱۳۸۷: ۹۲)

ماهیت گزارش اصلاحی

ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی اشعار می دارد: «دادگاه پس از حصول سازش بین طرفین به شرح فوق، رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می نماید. مفاد سازش نامه که طبق مواد فوق تنظیم می شود نسبت به طرفین و وراث و قائم مقام قانونی آنها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاه ها به موقع اجرا گذاشته می شود، چه این که مورد سازش مخصوص به دعوای مطروحه بوده یا شامل دعوای یا امور دیگری باشد.»

این ماده قانونی دارای نکات ظریفی می باشد که موجب اختلاف نظر در بین حقوقدانان و قضات محاکم شده است. در این که مبنای صدور گزارش اصلاحی عقد صلح است، هیچ شک و تردیدی وجود ندارد. منشاء اختلاف نظرها، ماهیت حقوقی گزارش اصلاحی از لحاظ آیین دادرسی مدنی است، که این اختلاف نظرها در باب ماهیت گزارش اصلاحی اختلاف در اعتبار، چگونگی و نحوه اعتراض به آن را به دنبال دارد.

آنچه مسلم است در خصوص ماهیت حقوقی گزارش اصلاحی پنج نظریه و تئوری وجود دارد:

گروه اول معتقدند که گزارش اصلاحی ماهیت قرارداد صلح مدنی یا سند رسمی را داراست.

گروه دوم بر این نظر هستند که گزارش اصلاحی حکم محسوب می شود.

این نظر که بیشتر در محاکم و رویه قضایی دیده می شود بر این اصل استوار است که گزارش اصلاحی جزء تصمیمات دادگاه محسوب شده و ماهیت حکم را داشته و در شمول آرای قضایی قرار می گیرد. اداره حقوقی در نظریه مشورتی شماره ۴۴۶/۱۷ مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۷ چنین اظهار داشته است: «چون گزارش اصلاحی مانند احکام قطعی به موقع اجرا گذاشته می شود، لذا مورد از مصادیق قضیه مختومه

تلقی می شود بنابراین تقدیم دادخواست اعتراض ثالث بر گزارش اصلاحی صادره از دادگاه منع قانونی ندارد.»

در این نظریه مشاهده می شود که اداره حقوقی، گزارش اصلاحی را واجد اعتبار قضیه مختومه تلقی کرده است و از آنجایی که اعتبار قضیه مختومه مختص آرای (حکم و قرار) است به نظر می رسد اداره حقوقی در این نظر مشورتی ماهیت گزارش اصلاحی را حکم دانسته است. این در حالی است که شعبه اول دیوان عالی کشور با رد تجدید نظرخواهی تجدید نظرخواه با این استدلال که گزارش اصلاحی قابل تجدید نظرخواهی و قابل اعتراض نیست، این نظریه را رد کرده است.

اما در پاسخ به این دیدگاه می توان گفت که؛ اولاً اگر گزارش اصلاحی حکم بود قانونگذار در ماده ۱۸۴ به کلمه «مانند» در «مانند احکام دادگاه ها به موقع اجرا گذاشته می شود» متوسل نمی شد. چرا که ما می دانیم که قانونگذار کار عبث انجام نمی دهد. علاوه بر آن طبق اصل هویت یا این همانی «هر چیزی خودش، خودش است»، بنابراین هر موضوع یا امری که مانند موضوع یا امر دیگر باشد نمی تواند دقیقاً خود آن باشد. پس نتیجه ای که از این موضوع حاصل می شود اینکه، چون زمانی که قانونگذار می گوید مانند احکام دادگاه ها یعنی گزارش اصلاحی، احکام دادگاه نیست. (بهرامی، ۱۳۸۵: ۶۴)

ثانیاً قانونگذار فرموده است مانند احکام به موقع اجرا گذاشته می شود، یعنی گزارش اصلاحی تنها از لحاظ اجرایی مانند و شبیه احکام هست، هر امری که از لحاظ اجرا مانند امر دیگر باشد دلیل بر این نمی شود که از لحاظ ماهوی نیز مانند آن باشد.

ثالثاً گزارش اصلاحی انعکاس نظر طرفین است، دادرس و دادگاه هیچ گونه اظهارنظری جز تایید و تثبیت اراده طرفین انجام نمی دهد. لذا نمی توان گزارش اصلاحی را حکم در نظر گرفت. (حیاتی، ۱۳۹۰: ۵۸)

گروه سوم بر این باورند که گزارش اصلاحی قرار محسوب می شود.

اما در نقد این نظریه می توان گفت که؛ تنها پیش بینی و جواز قانونی که برای صدور قرار سقوط دعوا در قانون آیین دادرسی مدنی وجود دارد، در بحث استرداد دعوا و در بند «ج» از ماده ۱۰۷ قانون مذکور می باشد، که مقرر داشته است: «استرداد دعوا پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا در موردی ممکن است که یا خوانده راضی باشد و یا خواهان از دعوای خود به کلی صرفنظر کند. در این صورت دادگاه قرار سقوط دعوا صادر خواهد کرد.»

درک صحیح از ماده قانونی فوق که یکی از مواد مهم قانون آیین دادرسی مدنی است، به تنهایی برای رد نظریه قرار سقوط دعوا بودن گزارش اصلاحی کافی است. چنانچه مشاهده می شود ماده قانونی فوق ناظر بر زمانی است که خواهان پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا، قصد دارد دعوای خود را مسترد نماید. بنابراین اساساً شمول گزارش اصلاحی از دایره قرار سقوط دعوا خارج می باشد.

گروهی نیز اعتقاد دارند گزارش اصلاحی یک تصمیم حسبی است که از طرف دادگاه اتخاذ می گردد.

اما در رد این نظریه می توان گفت که؛ امور حسبی در قانون ایران به صراحت توسط قانونگذار تعریف و بیان شده است (ماده یک قانون امور حسبی) این که گزارش اصلاحی در قانون کد فرانسه امور حسبی تلقی می شود (کد آ.د.م فرانسه ماده 2012)، دلیل بر این نمی شود که به تبع قانون فرانسه، ماهیت گزارش اصلاحی در حقوق ایران را نیز تصمیم حسبی بدانیم. هرچند که قانون ایران برگرفته از قانون فرانسه باشد.

همچنین همانطور که قانونگذار به صراحت در ماده یک قانون امور حسبی بیان داشته است، «امور حسبی اموری است که دادگاه ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون این که رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوا از طرف آنها باشد.» پس تصمیم حسبی تصمیماتی است که دادگاه در رابطه با اموری می گیرد که آن امور مورد اختلاف و منازعه بین اشخاص نمی باشد. یکی از دکترین حقوقی در این باره می نویسد: «در امور حسبی هیچ گاه دعوایی وجود ندارد تا بتوان گفت دادرسی برای فصل آن حکومت کرده است.» این در حالی است که در صدور گزارش اصلاحی، صرف نظر از اینکه دعوایی از سوی آنها در دادگاه مطرح شده باشد یا نه، همیشه دعوایی بین طرفین موجود است، یا اینکه در مورد اموری بین آنها اختلاف و منازعه وجود دارد، که از طریق صلح و سازش بین خود، آن دعاوی یا امور اختلافی را حل و فصل می نمایند و سپس دادگاه گزارش اصلاحی را صادر می نماید. (شمس، پیشین: ۱۵۳)

در نهایت گروهی بر این عقیده هستند که گزارش اصلاحی بسته به اینکه سازش در محکمه انجام پذیرد یا سازش در خارج از محکمه واقع شود می تواند دارای ماهیت متفاوتی باشد.

با توجه به مفاد قانون مدنی و نتیجه ای که از انجام گزارش اصلاحی حاصل می گردد که به موجب آن طرفین گزارش درباره نحوه انجام موارد اختلافی و زمان و سایر خصوصیات با یکدیگر توافق نموده و به موجب آن به اختلاف فی مابین خود خاتمه می دهند، به نظر می رسد که گزارش اصلاحی قراردادی است که در قالب عقد صلح انجام می شود و بنابراین تمام ویژگی های این عقد را خواهد داشت.

یکی از حقوقدانان معتقد است که گزارش اصلاحی عمل قضایی نیست بلکه قرارداد واقعی صلح است. ایشان می فرمایند: «گزارش اصلاحی، از لحاظ ماهوی یک قرارداد واقعی است و اعتبار و اثر آن تابع قواعد عمومی قانون مدنی است. بنابراین اگر ایجاب این سازش نزد دادرسی واقع شود، پیش از قبول

طرف دیگر اثر حقوقی ندارد.» ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «عقد صلح قالبی است وسیع تر از همه عقود معین که برای تحقق حاکمیت اراده فراهم آمده است.» (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۷۵)

بنابراین می‌توان گفت که بر اساس این دیدگاه؛ گزارش اصلاحی یک قرارداد واقعی است و صرفاً ماهیت عقد صلح مدنی را داراست، بنابراین گزارش اصلاحی همانند عقد صلح تابع قواعد عمومی قراردادهاست و هرکجا که بتوان به عقد صلح ایراد وارد کرد، گزارش اصلاحی نیز قابلیت طرح آن ایراد را داراست. مثل ایراد بطلان به سبب مخالفت با نظم عمومی یا اشتباه و اکراه و همچنین فسخ، اما از آنجایی که پاره‌ای از اختیارات با ماهیت عقد صلح منافات داد و تمام اختیارات در آن راه ندارد بنابراین عقد صلح را نمی‌توان فسخ کرد مگر با خیار شرط یا اشتراط خیار. (صحرائی و جمشیدی، ۱۴۰۰: ۸۶) چنانچه قانونگذار در ماده ۷۶۱ قانون مدنی بیان داشته است: «صلحی که در مورد رفع تنازع یا مبنی بر مسامحه باشد قاطع بین طرفین است و هیچ یک نمی‌تواند آن را فسخ کند اگر چه به ادعای غبن باشد، مگر در صورت تخلف شرط یا اشتراط خیار.»

یکی دیگر از حقوقدانان معتقد است گزارش اصلاحی ماهیت عقد صلح را دارد. ایشان در ترمینولوژی حقوقی خود در تعریف گزارش اصلاحی چنین می‌فرمایند: «گزارش اصلاحی صورت مجلسی است که دادگاه در موقع صلح اصحاب دعوا تنظیم می‌کند. گزارش اصلاحی نه حکم است و نه قرار و عنوان رای را ندارد بلکه نظر به تصریح ماده ۶۳۰ قانون آئین دادرسی مدنی و ماده ۱۲۹۱ قانون مدنی فقط اعتبار سند رسمی را دارد. چون در حدود مواد ۴۶-۴۷ قانون ثبت، ثبت سند در دفاتر مخصوص ثبت اجباری است مراجع ثبتی حق ندارند به استناد سند صلح دادگاه یا گزارش اصلاحی، سند مالکیت صادر کنند بلکه باید مفاد گزارش اصلاحی در دفاتر اسناد رسمی ثبت شود تا قابلیت سند مالکیت را داشته باشد. (جعفری لنگرودی، پیشین: ۲۹۴)

همچنین از نظر ایشان؛ گزارش اصلاحی نوشته ای است که مرکب از دو جز است: قسمت اول که جنبه گزارش یعنی اخبار از تصمیم دو طرف دارد. این گزارش به طور اختصار از حضور طرفین و آمادگی آنها برای مذاکرات اصلاحی و تمایل آنان به انعقاد عقد صلح حکایت دارد. قسمت دوم گزارش اصلاحی به طور صریح عبارت است از عقد صلح که در ماده ۷۵۲ قانون مدنی دیده می شود. در این عقد معمولاً تمام یا قسمتی از دعوی، اسقاط می شود و ممکن است معوض و یا بلاعوض باشد. (جعفری لنگرودی، پیشین: ۲۹۸)

به هر حال، گزارش اصلاحی موضوع دعوی را قبل از این که دادرس شروع به رسیدگی کند و یا رسیدگی را به نتیجه برساند منتفی می گرداند، یعنی مجال برای انشاء رای و فصل خصومت باقی نمی گذارد و به همین جهت حکم تمیزی شماره ۳۱۱ مورخ ۱۳۲۶/۱/۲۶ درخواست تصحیح گزارش اصلاحی را منع کرده است؛ زیرا عنوان تصحیح حکم در این مورد معنی ندارد، برای اینکه در مورد گزارش اصلاحی رای به معنی واقعی آن دیده نمی شود. لذا گزارش اصلاحی به طور صریح همان عقد صلح قانون مدنی است و ماهیتی جز عقد صلح ندارد که توسط دادگاه ثبت و تایید می گردد و اعتبار سند رسمی را پیدا می کند.

بنابراین اگر شخص «الف» طلب خود را به شخص «ب» در قالب گزارش اصلاحی به علت خیرات و کمک به فقراء یا هر علت دیگری ابراء نماید، می توان گفت که عمل انجام شده هر چند ابراء است اما آثار صلح را خواهد داشت و علت تعهد نیز کمک به فقراء می باشد.

همچنین سوال دیگری که در خصوص ماهیت گزارش اصلاحی مطرح می گردد این است که، آیا گزارش اصلاحی قابل اعتراض و تجدیدنظر است؟

^۴ ماده ۲۸۹ قانون مدنی: ابراء عبارت از این است که داین از حق خود به اختیار صرف نظر نماید.

در این خصوص ماده ۲۵ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ با پیش بینی تاسیس دادگاه صلح مقرر داشته است: «اعتراض طرفین پرونده به تصمیم شورا و نیز اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی و تصمیم شورا قابل طرح در دادگاه صلح همان حوزه قضائی است و چنانچه تصمیم یا گزارش اصلاحی توسط مرجع رسیدگی به اعتراض نقض شود، مرجع مذکور موظف است رأساً به پرونده رسیدگی و رأی صادر کند.»

بنابراین بر اساس ماده فوق الذکر، گزارش اصلاحی از سوی طرفین و ثالث قابل اعتراض است که این امر بیانگر در حکم بودن گزارش اصلاحی می باشد.

سئوالی که در اینجا مطرح می شود این است که اگر علت تعهد در این گزارش از سوی شخص «ب» نقض شود یا بعداً ثابت گردد که شخصی ب از ابتدا دروغ گفته است، در این حالت شخص الف از حق ابطال یا فسخ گزارش اصلاحی برخوردار است؟

حق فسخ یا ابطال گزارش اصلاحی در فرض تخلف از علت تعهد^۵

با توجه به ماهیت گزارش اصلاحی می توان گفت که ماهیت گزارش اصلاحی در قالب صلح قرار می گیرد و زمانی که طلبکار، طلب خود را به بدهکار بخشیده و ذمه وی را بری می کند، اقدام انجام شده عملاً ابرا است که در قالب عقد صلح انجام شده و مقررات این عقد بر آن حاکم می شود.

^۵ علت تعهد به معنای دلیلی است که موجب ایجاد یک تعهد یا الزام قانونی می شود. به عبارت دیگر، علت تعهد نشان دهنده هدف و انگیزه‌ای است که طرفین در زمان انعقاد قرارداد یا ایجاد تعهد به آن اشاره می کنند.

حال در مثالی که در بند پیشین گفته شد، با اقدام طلبکار نسبت به بری الذمه کردن بدهکار و امضا گزارش اصلاحی از سوی طرفین، عقد صلحی بین طرفین منعقد می شود که علت تعهد آن مشخص می باشد و به لحاظ اخلاقی طرف مقابل مکلف است که به توافق مندرج در گزارش اصلاحی عمل نماید. اما در صورتی که علت تعهد از سوی طرف مقابل (بدهکار) نقض گردد، به نظر می رسد که این مسئله صرفاً نقض یک قاعده اخلاقی بوده و از لحاظ حقوقی اختلاف نظرهایی بین حقوقدانان مطرح است. چرا که در هیچ بخشی از عقود معین و نیز گزارش اصلاحی بحثی در این خصوص به میان نیامده است و شاید دلیل اصلی سکوت مقنن، مقتضای ذات و آثار عقد صلح، ابراء و گزارش اصلاحی می باشد.

اما در این خصوص هیئت عالی دیوان عالی کشور بر این امر تاکید می کنند که گزارش اصلاحی که بر مبنای مصالحه و سازش طرفین دعوی تنظیم می شود هم قابل اصلاح است و هم قابل ابطال؛ اما نه در قالب اعتراض و تجدیدنظرخواهی؛ بلکه با تقدیم دادخواست نخستین مبنی بر ابطال گزارش اصلاحی با رعایت شرایط مقرر در ماده 51 قانون آئین دادرسی مدنی. (شهیدی، ۱۳۹۳: ۷۹)

لذا به دلیل اینکه علت تعهد بر اساس ماده ۲۹۰ قانون مدنی از شرایط صحت عقد می باشد، لذا در صورت اشتباه یا نقض در آن، طلبکار (ذی حق) می تواند با تقدیم دادخواست نخستین ابطال گزارش اصلاحی مذکور را درخواست نماید.

اما باید توجه داشت که بر مبنای قواعد حقوقی، ابطال گزارش اصلاحی زمانی قابل مطالبه است که اگر دلایلی مبنی بر بطلان صلح و توافقات نسبت به موضوع صلح وجود داشته باشد و مشخص شود که توافقات و تعهداتی که در گزارش اصلاحی آمده است از ابتدا معتبر نیستند، طرفین می توانند دعوای ابطال گزارش اصلاحی را به مرجع صالح قضایی ارائه نمایند. حال در صورتی که علت تعهد مذکور در گزارش اصلاحی درج نشده باشد، عملاً اثبات این موضوع بسیار دشوار خواهد بود.

(مهاجری، ۱۳۹۷: ۹۴) بنابراین به نظر می رسد که عدم درج شروط مبنای صلح و سازش در گزارش اصلاحی زمینه را برای تعرض از مبنای سازش و نقض گزارش اصلاحی فراهم می آورد.

در مقابل اکثریت حقوقدانان معتقدند که با توجه به مقررات ماده ۳۳۰ قانون آئین دادرسی مدنی امکان ابطال گزارش اصلاحی وجود ندارد؛ به بیان دیگر طبق مقررات ماده ۳۳۰ قانون آئین دادرسی مدنی موارد اعتراض عادی و فوق العاده به آراء محاکم مشخص شده است و اعتراض صرفاً در قالب همین موارد قابل پیگیری است؛ ضمن اینکه قانون آئین دادرسی مدنی یک قانون شکلی است و امکان تفسیر موسع وجود ندارد؛ به بیان دیگر در قوانین شکلی ما ماخوذ و محدود به نصوص می باشیم، اگر طریقه ای برای ابطال گزارش اصلاحی در محاکم مدنظر مقنن بود علی القاعده می بایست در قالب مواد و مقررات مربوطه تجویز می شد؛ طبق ماده ۱۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی گزارش اصلاحی با اراده مشترک طرفین ایجاد شده است، وفق قواعد حقوقی صرفاً از همین مجرا قابل باطل شدن است؛ اگر بپذیریم که گزارش اصلاحی قابل ابطال می باشد، یکی از مهمترین شیوه های فصل خصومت را با تزلزل مواجه کرده ایم که مخالف اتقان آراء قضایی می باشد. (امامی، ۱۳۵۲: ۸۳)

البته برخی از حقوقدانان نیز معتقدند که گزارش اصلاحی قابل اصلاح می باشد که این امر جدای از قابلیت ابطال اینگونه آرا می باشد. دلیلی که این قسم از حقوقدانان برای قابلیت اصلاح ارائه می کنند، عبارتند از :

1- ماهیتاً گزارش عقد صلح می باشد؛ آن هم در اکثر موارد صلح بر دعوی، نه صلح ابتدایی؛ سپس مانند سایر قراردادهای عادی یا رسمی دیگر می تواند موضوع بطلان دعوی یا فسخ قرار گیرد. (صفایی، پیشین: ۴۷)

۲- گزارش اصلاحی نه حکم است نه قرار، عنوان رای ندارد؛ بلکه به نظر صریح ماده 1291 قانون مدنی فقط اعتبار سند رسمی را دارد.

۳- گزارش اصلاحی از اعتبار امر مختومه برخوردار بوده و قابل تجدیدنظرخواهی نیست و سایر راه های اعتراض به آراء نیز در خصوص آن قابل اعمال نمی باشد.

۴- بر فرض که ضمن گزارش اصلاحی توافقی خلاف نظم عمومی مقرر گردد با توجه به عدم قابلیت اعتراض، آیا نباید راهی برای اصلاح اشتباه وجود داشته باشد. لذا با استناد به همین موارد می توان در موارد اشتباه در علت تعهد گزارش اصلاحی، اقدام به ابطال آن نمود. (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۰۹)

۵- با توجه به ماهیت گزارش اصلاحی که یک قرارداد در قالب عقد صلح و یا هر نوع قالب دیگر مانند ماده 10 قانون مدنی می باشد، در موارد استثنایی امکان بررسی شرایط اساسی قرارداد مانند مفاد ماده ۱۹۰ قانون مدنی وجود دارد. بدیهی است منظور از امکان ابطال گزارش اصلاحی این نیست که یکی از اطراف آن موضوعات واهی مانند ورود ضرر را به عنوان مبنای ابطال اعلام نماید.

همچنین در خصوص فسخ این قسم از گزارش اصلاحی نیز با توجه به اینکه در هیچ یک از مواد فصل نهم قانون آیین دادرسی مدنی؛ سازش و درخواست، اشاره ای به امکان فسخ گزارش اصلاحی نشده است لذا در خصوص این مورد هم؛ به نظر می رسد این گزارش قابل فسخ نیست.

در رویه قضایی نیز گزارش اصلاحی قابل ابطال یا فسخ نیست مگر اینکه این امر با عنوان ضمانت اجرای تخلف از شرط یا اشتراط خیار درج شده باشد. البته ممکن است که در برخی دادگاه ها رویه متفاوتی اتخاذ گردد که به نظر می رسد این موضوع برای قاضی رسیدگی کننده تخلف انتظامی باشد.

در این خصوص با بررسی دیدگاه‌ها، نگارنده معتقد است که اگر طریقه ای برای ابطال گزارش اصلاحی در محاکم مدنظر مقنن بود علی القاعده می بایست در قالب مواد و مقررات مربوطه تجویز می شد، طبق ماده ۱۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی گزارش اصلاحی با اراده مشترک طرفین ایجاد شده است، وفق قواعد حقوقی صرفاً از همین مجرا قابل باطل شدن است؛ اگر بپذیریم که گزارش اصلاحی قابل ابطال می باشد، یکی از مهم ترین شیوه های فصل خصومت را با تزلزل مواجه کرده ایم که مخالف اتقان آراء قضایی می باشد. لذا گزارش اصلاحی به عنوان طریقی نوآوری برای حل و فصل اختلافات قابل ابطال یا فسخ نیست، مگر اینکه این حق در فرض تخلف از انجام تعهد در متن گزارش اصلاحی درج شده باشد که در این حالت متعهدله حق فسخ یا ابطال گزارش اصلاحی را خواهد داشت.

لذا علیرغم اثرگذاری ضمنی نظریه علت تعهد در نظام حقوقی ایران بر خلاف فرانسه، این نظریه به صورت مطلق پذیرفته نشده و تاثیرگذاری علت تعهد محدود به قواعد عمومی عقد مدنظر طرفین می باشد.

حال به نظر نگارنده، گزارش اصلاحی راهکار مناسبی جهت حل و فصل اختلافات بوده ولی محدود کردن راه های فسخ یا اصلاح آن، منطقی نبوده و بهتر است مکان فسخ یا اصلاح آن پیش بینی شود. چرا که هرگونه وجود خلاهای قانونی در عمل منجر به سوءاستفاده متعهدعلیه می گردد.

نتیجه گیری

هرچند که دکترین حقوقی مفهومی مجمل از علت در عقود و تعهدات ارائه داده اند. اما نمی توان جایگاه علت را به عنوان عنصری ضروری در انعقاد عقد نادیده گرفت. رویه قضایی فرانسه در آرای

متعددی بر ضرورت وجود علت خاص و لزوم تحقق آن در قراردادها تاکید کرده و بر این مبنا، تئوری علت تعهد علیرغم همه اختلاف نظرها، در این کشور مورد توجه قرار گرفته است.

حال در نظام حقوقی ایران نیز هرچند این تئوری به صراحت پذیرفته نشده اما آثاری از آن را می توان در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مشاهده کرد. همچنین نمونه بارزی از وضعیت حقوقی که می توان در آن کارکرده علت تعهد را مشاهده کرد، گزارش اصلاحی در زمان صلح و سازش می باشد که به موجب آن اشخاص با توافقی همراه با علت تعهد مشخص به اختلافات فی مابین خاتمه می دهند.

اما گاهی ممکن است که در علت تعهد مذکور در گزارش اختلافی اشتباهی پیش آید یا از سوی یکی از طرفین نقض گردد. در این زمینه درباره امکان ابطال یا فسخ گزارش اصلاحی اختلاف نظرهایی بین حقوقدانان وجود دارد، اما به نظر نگارنده ابطال یا فسخ گزارش اصلاحی که ماهیتاً عقد صلح محسوب می گردد، وجود ندارد. چرا که ابطال یا فسخ اصولاً با اثر نهاد صلح و سازش دارای منافات می باشد مگر اینکه به عنوان ضمانت اجرای تخلف از شرط، حق فسخ یا ابطال درج شده باشد که در این صورت ذی نفع، حق فسخ یا ابطال خواهد داشت.

در نهایت پیشنهاد می گردد که با تاسی از نظام حقوقی فرانسه و با بهره گیری از تئوری علت تعهد، قابلیت فسخ یا ابطال گزارش اصلاحی در فرض نقض تعهد در قوانین و مقررات، بویژه در قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ به دلیل جدیدالتصویب بودن مورد بررسی و شفافیت قرار گیرد تا هیچ ابهامی در عمل برای مراجع قضایی پیش نیاید. چرا که این موضوع در روبه قضایی نیز محل اختلاف بوده و همین مسئله می تواند منجر به تضییع حقوق اشخاص ذی نفع گردد.

References

1. Bahrami, Bahram (1385). Code of Civil Procedure 2, 9th edition, Negah Bineh Publishing Cultural Institute, Tehran(In Persian)
2. Dayani, Abdolrasoul (2010), "A Comparative Study of the Direction and Cause of Marriage in Iranian and French Law and Imami Jurisprudence", Scientific Quarterly of Legal Research, Vol. 10
3. Emami Seyyed Hasan (1352). Civil rights, second volume, Islamia bookstore, Tehran(In Persian)
4. Ghestin Jacques (2006), Cause de l'engagement et validité du contrat, Paris, LGDJ 20. Mazeaud Jean, et François CHABAS (1998), Leçons de droit civil, t. II, Obligations: théorie générale, vol. 1, 9e éd. par CHABAS, Paris, Montchrestien
5. Hayati, Ali Abbas (2013). Code of Civil Procedure 2, first edition, Mizan Legal Publications, Tehran(In Persian)
6. Hosseini, Seyyed Mohammad Reza (1389). Law of Civil Procedure in Judicial Procedure, Majd, Tehran(In Persian)
7. Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar (1376). Legal Terminology, eighth edition, Ganj Danesh, Tehran(In Persian)
8. Katouzian, Nasser (2013). Moin contracts, second volume, sixth edition, Ganj Danesh Publications, Tehran(In Persian)
9. Katouzian, Nasser (2013). General rules of contracts, second volume, published by Bahman Barna Joint Stock Company, Tehran(In Persian)
10. Mohajeri, Ali (2017). The scope of the court's intervention in the nature of the corrective report, legal-judicial researches, number 1
11. Safai, Seyyed Hossein (1351). The theory of direction in contracts, a comparative study in Islamic law, Iran and France, Journal of Faculty of Law and Political Science, No. 8(In Persian)

12. Shahidi, Mahdi (2013). Formation of contracts and obligations, 10th edition, Majd Publications, Tehran(In Persian)
13. Sahrai, Farid; Jamshidi, Javad (2021). Clearing the ambiguity from the amendment report in judicial procedure, Rai Quarterly, Volume 10, Number 35(In Persian)
14. Shams, Abdullah (1387). Civil Procedure Code, second volume, 16th edition, Derak Publishing House, Tehran(In Persian)
15. Terré François, Simler Philippe et Lequette Yves (2009), Droit civil, Les obligations, 10e éd., Paris, Précis Dalloz

Investigating the theory of the cause of obligation in the agreement of Mananoeh in the reform report With the possibility of revocation or cancellation

Abstract

The main topic of legal science is "rights and duties" so that people can freely decide and resolve their disputes in cases of disputes regarding their rights. Accordingly, in Iran's legal system, peace and compromise and consequently the institution of corrective reporting have a special place, because according to the theory of commitment, the parties agree with each other. Now, it is possible that one of the parties has violated the obligation that was considered in the corrective report, and this issue will be proven after the corrective report is implemented. Now, the current research based on the studies conducted in this field and the analysis of the nature of the corrective report and the theory of the cause of the commitment in a descriptive-analytical way comes to the conclusion that if the cause of the commitment considered in the corrective report is proven to be wrong, this report cannot be revoked or terminated. . Because in this case, the corrective report has become a shaky tool and people are confused about their rights and obligations.

Keywords: corrective report, nature, cause of commitment, revocation, termination